



کمک می‌کنم تا کمک کنید؛ کمک کنید تا کمکتان کنم

امید ملک

۱- چرا موضوع معینی که همه کنشگران نسبت به اصل آن توافق دارند، جنجال برانگیز می‌شود؟ آیا برداشت‌های متفاوت از کلمات و جمله‌بندی‌های موجود در ابلاغیه‌های اصل ۴۴ می‌تواند اتفاق بیفتد؟ یا آنکه مجریان با تفاسیر و تعبیری که باعث برهم خوردن نظم بازی می‌شود، باعث بوجود آمدن جنجال می‌گردند؟

۲- آیا تعاملات انسانی در یک جامعه که به ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها، روش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مثبت و منفی در طی دوران می‌انجامد، یک شبه امکان اصلاح دارد؟ برای روشن شدن موضوع، نقبی به تاریخ و گذشته و حال پایتخت که از قضا مشکل عمده آن ترافیک و مساله حمل و نقل است، خالی از فایده نخواهد بود.

تمایل محمدشاه قاجار برای استفاده از هوای خنک تر شمیرانات در غیاب کولر و پنکه و برق در تابستان، به احداث کاخ گلستان انجامید و چنین بود که باغ سفارت انگلیس و روسیه نیز در شمیرانات احداث گردید و نزدیکان دربار قجر نیز که عمدتاً از متمولین و صاحب منصبان بودند، هر یک به فراخور، باغی را در شمیرانات اختیار نمودند. با روی کار آمدن رضا خان و احداث کاخ سعدآباد و رشد هیات حاکمه شامل دربار و کابینه و وکلای

درک عمیق از مفاهیم واژه‌ها و نظر به پیوستگی و وابستگی آنها و تعهد و پابندی به اصول، یقیناً به طرح دنیای جدیدی خواهد انجامید که از پس دل‌نگرانی‌ها و مشکلات فعلی چشم در راه آن هستیم. صنعت حمل و نقل دریایی بسیار گسترده، پیچیده و مدرن است، اما با همه عظمت، جزئی از چرخه تجارت جهانی است که ماهنوز در اولین ایستگاه‌ها جهت پیوستن به آن هستیم و ماهنامه ترابران تمایل دارد به بررسی اوضاع و احوال سرمایه‌گذاری خارجی در بخش فعالیت‌های بندری آن به منظور روشن تر شدن افق پیش‌رو پردازد که علیرغم ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری در خصوص بندهای الف، ب و ج اصل ۴۴ قانون اساسی، تنها به تشکیل سازمان خصوصی سازی و واگذاری‌های بسیار جنجالی آن از قبیل قسمتی از سهام فولاد خوزستان یا بلوک مخابرات و یا آلومینیوم انجامیده است.

واکاوی مدنظر ترابران احتیاج به تحقیقات بسیار مفصلی توسط تیمی متشکل از خبرگان ترمینالی و مالی از حال و روز شرکت‌هایی دارد که به این ورطه وارد شده‌اند تا پس از دریافت اطلاعات و ترسیم شاخص‌ها، امکان ارزیابی فرآیند به صورت علمی مقدور باشد که آن بضاعت را در خود سراخ ندارم. اما انسان متفکر در طول تاریخ، میانبرهایی را - در غیاب بضاعت کامل - برای خود دست و پا کرده که می‌تواند به ما کمک نماید. به عنوان مثال در گذشته و در غیاب دستگاه‌های آنالیز غلظت آلاینده‌ها در معادن، قناری کوچکی را در قفس در ایستگاه‌هایی از تونل‌های معادن مستقر می‌کردند تا بی‌صدایی و بی‌جانی قناری، آژیر خطر وضعیت اضطراری را به صدا درآورد. این مقاله به همان سیاق تمایل دارد اوضاع و احوال قناری کوچک را که نشان از سلامت و یا عدم سلامت فضای کسب و کار دارد واکاود.

مجلسین و تجار و بازاریان؛ و در پناه نعمت برق، سیر تبدیل زمین های کشاورزی شمیرانات به باغ اعیان و اشراف شدت گرفت که در زمان پهلوی دوم نیز با عنایت به رشد طبقه مرفه و متوسط و استفاده از اتومبیل شخصی به جای اسب و درشکه، به اوج خود رسید. در عین حال، نفوذ و قدرت جلوگیری از وضع قانون و یا اجرای آن در مورد املاک تصاحب شده توسط بازماندگان خانواده و دربار قجر و درباریان جدید و سیاسیون و تجار صاحب نام، در تمام طول دوران مانع از شکل گیری نظام شهری در این منطقه بوده است و در سایه استقلال مالی شهرداری ها از دولت و باز هم بدون کوچکترین تغییری در معابر منطقه، به ایجاد آپارتمان های ۲۰ تا ۳۰ طبقه (و چند واحدی در هر طبقه) و در زمینی چندصد متری انجامیده که ترافیک را از معابر اصلی تا کوچه باغ های شمیران گسترش داده است. از سوی دیگر، فروش تراکم و پارکینگ از سر مصلحت، نه تنها اتوبان ها و خیابان ها و کوچه های تهران را به پارکینگ تبدیل نموده، بلکه غوغای ترافیک، ظرفیت های انسانی میلیون ها شهروند را که از نعمت تماس و احساس طبیعت محروم مانده اند، سخت نحیف کرده و چنین دورماندگی از اصل خویش قطعاً نمی تواند به حفظ محیط زیست و یا کاهش مصرف انرژی بیانجامد.

آیا تمامی شهرداران پایتخت و یا مسوولین ثبت اسناد و املاک در طول دوران تمایلی به اصلاح معابر مالرو نداشته اند؟ آیا مسوولین ثبت، در تقسیم املاک بزرگ به کوچک و کوچکتر توسط وراثت و خریداران جدید به دلایل زیاد (از عدم صرفه اقتصادی تا تغییر کاربری و مشکلات تأمین امنیت و...) نمی دانستند که محیط یک زمین هزارمتری که تنها راه دسترسی آن یک کوچه بن بست کم عرض است، نمی تواند تماماً محصور به املاک مجاور باشد؟
حتماً می دانستند و حتماً نمی خواستند آنچه را که الان اتفاق افتاده است، اما ...

به نظر می رسد یافتن پاسخ سوالات فوق کمک شایان توجهی به حل مسائل امروز ما خواهد کرد، چرا که بر اساس تفکر قیاسی می توان ابتداء راه حل ها را جستجو کرد و سپس هر مساله ای را که به این راه حل جواب می دهد، حل نمود.

۳- آیا اعلام عدم آمادگی لازم از سوی بخش خصوصی صحیح می باشد، یا تنها بهانه ای است برای حذف رقیب؟ آیا عدم آمادگی لازم از سوی بخش خصوصی در صورت صحت موضوع، توجیه مناسبی برای تشکیل یک بخش شبه دولتی محسوب می شود؟ آیا این بخش تجربه مدیریت چنین بنگاه هایی را دارد، یا فقط به اتکای منابع مالی هنگفت و چشم انداز سوددهی بنگاه های بزرگ کنترل آنها را بدست می گیرد؟ آیا تدابیر لازم جهت جلوگیری از سقوط به ورطه عدم بازدهی شرکت های دولتی از سوی مدیریت کلان این بنگاه ها اندیشه شده است؟ یا بایستی در ماه ها و سال های آتی به دلیل عدم تحول لازم در بازدهی شرکت های موصوف، شاهد گلایه خریداران از

مغبون شدن ایشان در چنان معاملاتی باشیم و مجدداً درآمدهای نفتی را برای کمک به شرکت های بزرگ جهت جلوگیری از ورشکستگی و بیکاری ده ها هزار نفر و تبعاتی که در اقتصاد کلان بوجود می آورد، صرف کنیم. همچنان که در این اواخر زمزمه هایی مبنی بر عدم علاقه خریداران به سهام آلومینیوم ایران، یا کارخانه تراکتورسازی تبریز و یا شرکت تایداواتر خاورمیانه به گوش می خورد که از قضا این آخری موضوع مورد تفحص نشریه

ترابران نیز می باشد
آیا مکانیزم های طبیعی از قبیل ترس، انسان را از خطرات جانسوز تاریخی در امان نگه داشته و یا عاملی بازدارنده بوده است؟ آیا پیمانکاری مثل قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء با آن عظمت بنیه مهندسی - فنی - نظامی و البته ارتباطی، احتیاج به انجام هرگونه پروژه ریز و متوسط و درشت آن هم با ترک تشریفات مناقصه دارد؟ (خدا را شکر که در هفته های گذشته عطای پروژه های ریز و متوسط به لقای آن توسط قرارگاه بخشیده و فضای تنفسی برای شرکت ها ایجاد شد).

آیا ترک تشریفات مناقصه حاشیه امنی را برای آنان به منظور عدم پاسخگویی به کارفرما ایجاد نمی کند؟ آیا این حاشیه امن باعث بهبود کیفی کار می شود و یا عاملی جهت کاهش شاخص کیفی کار خواهد بود؟
آیا برهم زدن فرهنگ تعاملی کارفرما و پیمانکار به بهبود مناسبات می انجامد یا مخدوش کردن؟

آیا چنان حاشیه امنی باعث ایجاد آب گرفتگی از پس بارندگی در ترمینال تازه ساز بندر شهید رجایی در نوروز ۸۸ نشد؟ آیا مشکل موصوف که خسارت زیادی را به تجار ایرانی تحمیل کرد و شرکت های بیمه هم از پذیرش مسوولیت تأمین خسارت به دلیل عدم تعبیه راه های مناسب خروج آب و عدم شناسایی آب گرفتگی به عنوان سیل سر باز زدند، حل شد؟ آیا شکستن بولارد (Bollard) - وسیله ای از چدن که به صورت یکپارچه جهت مهار طناب کشتی ریخته گری می شود و در بتون اسکله تعبیه می گردد - در خاطرات چند نسل از دریاییان کشور ما یافت می شود؟ آیا پاسخ نماینده پیمانکار به نماینده کارفرما (مدیریت بندر) در خصوص چرایی موج بودن محوطه تازه تحویل شده، می تواند به «مگر شما مهندس هستید؟» ختم گردد؟

همانطور که جست و خیز پرنده ای کوچک در قفس در آستانه معدنی با احتمال گازهای سمی، خبر از سلامت فضای کندوکاو در معدن می دهد و مرگش نهیب ترک فضای خطر برای معدن کاوان است، کلیه واگذاری های انجام شده می تواند نقش آن پرنده را برای آنها بی که تمایلی جهت ورود به فضای کسب و کار ایران دارند، ایفا نماید.

همیشه انحرافات، در سایه عدم جدی گرفتن اصول و یا ذیح اصول در پای مصلحت اتفاق افتاده است. سازمان بنادر و دریانوردی که بیش از یک دهه سهام شرکت تایداواتر را در اختیار داشت و به حق از پیشروترین سازمان ها در مبحث خصوصی سازی بوده، در تمام آن سال ها تمایلی به تربیت مدیران

■ **دستگاه های حاکمیتی باید از غلتیدن به مهلکه درآمدزایی درگذرند و قوانین حمایتی وضع شده در دوران پرشمار اقتصاد دولتی را بدون هیچ دل نگرانی منسوخ نمایند و در این راه از غوغا سالاری شرکت ها و مؤسسات دولتی و شبه دولتی که گاهی در پس و پشت صفت «ملی» منافع خود را جستجو می نمایند، هراس به دل راه ندهند**

ارشدی که بتوانند این شرکت را به سلامت و در غیاب رقیب به سر منزل برسانند، در سایه عدم ثبات مدیریت در کشور نشان نداد و حتی امکان حضور مدیران حرفه ای و مستقل را از سوی بقیه سهامداران تمرین نکرد و حالا مانده است با جنجال های رسانه ای از سوی دست پرورده خود و تازه اول راه چه کنم؟

خود به خود شکل دیو می کردند

پس ز ترسش غریب می کردند
ایجاد فضای سالم و رقابتی کسب و کار مطمئناً به رونق و شکوفایی تمامی فعالیت های مرتبط با بندر خواهد انجامید و عوارض حمایت مطمئناً هدایت را تضعیف می نماید و بدین منظور دستگاه های حاکمیتی میبایستی اولاً از غلتیدن به مهلکه درآمدزایی که بسیار وسوسه انگیز است درگذرند و ثانیاً می بایستی قوانین حمایتی وضع شده در دوران پرشمار اقتصاد شعارزده دولتی را بدون هیچ دل نگرانی و دغدغه ای منسوخ نمایند و در این راه از غوغا سالاری شرکت ها و مؤسسات دولتی و شبه دولتی که گاهی در پس و پشت صفت «ملی» منافع خود را جستجو می نمایند، هراس به دل راه ندهند که این صفت در کلیت خود در بردارنده تمام بازیگران یک صحنه می باشد و نه معدودی بازیگر.